

Examining the Ethical Principles Governing Fair Proceedings

A. Mohammadi Zadeh*

Graduated in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran

Abstract

Background: The relationship between ethics and law is certain and confirmed and emphasized by philosophers, moral thinkers and lawyers. A just and fair trial is one of the most fundamental ethical demands in the legal system, and adherence to ethical principles in the trial stages is one of the needs that is tangible in proceedings today, especially in criminal quasi-judicial authorities. Therefore, the present study was formed with the aim of investigating the ethical principles governing fair proceedings in Iran's legal system.

Conclusion: Finding the objectivity of justice requires law and rule. Governments are committed to ensuring the right to a fair trial for people in various ways, including legislation and the provision of an effective enforcement mechanism. The most sublime and thorough interpretations in this field can be found in the teachings of the religion of Islam. Islam has always called for the establishment of justice and justice, the rights of the oppressed, the establishment of peace and tranquility, and public judgment. The system of the Islamic Republic of Iran also seeks to ensure a fair trial with the support of the religion of Islam. Fair trial includes many examples that every person has in the process of both criminal and civil proceedings. Examples of fair proceedings include: the right to sue, access to impartial and independent courts, equality of defense possibilities, the principle of confrontation or correspondence, the right to face and open proceedings, the right to appeal and the right to proceedings within a reasonable time.

Keywords: *Fair trial, Ethics in trial, Principle of impartiality, Justice, Principles of trial*

***Corresponding Author:** A. Mohammadi Zadeh, Graduated in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Meybod, Iran. Email: amin.mohamadizadeh29@gmail.com

How to cite: A. Mohammadi Zadeh. Examining the ethical principles governing fair proceedings. *Ethics in Science and Technology*. 2024,19(2): 69-77



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

بررسی اصول اخلاقی حاکم بر دادرسی عادلانه

امین محمدی زاده

دانش آموخته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد، میبد، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳)

چکیده

زمینه: رابطه بین اخلاق و حقوق امری مسلم و مورد تایید و تاکید فلاسفه و اندیشمندان اخلاقی و حقوقدانان است. دادرسی عادلانه و منصفانه، یکی از بنیادی ترین مطالبات اخلاقی در نظام حقوقی است و پایبندی به اصول اخلاقی در مراحل دادرسی از جمله نیازهایی است که امروزه در دادرسی‌ها خاصه در مراجع شبه قضایی کیفری ملموس است. از این رو، مطالعه حاضر با هدف بررسی اصول اخلاقی حاکم بر دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران شکل گرفت.

نتیجه گیری: عینیت یافتن عدالت نیازمند قانون و قاعده است. دولتها به شیوه های مختلف از جمله قانونگذاری و پیش بینی مکانیزم اجرایی موثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند. متعالی ترین و موکدترین تعبیرها در این زمینه در تعالیم و آموزه های دین مبین اسلام یافت می شود. اسلام همواره فریاد برپایی قسط و عدل، احقاق حقوق مظلوم، استقرار صلح و آرامش و داوری و قضاوت عادلانه را سر داده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با تاسی از دین مبین اسلام در صدد تضمین دادرسی عادلانه است. دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. مصادیق دادرسی عادلانه عبارتند از: حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه های بی طرف و مستقل، برابری امکانات دفاع، اصل تقابل یا تناظر، حق رسیدگی حضوری و علنی، حق تجدیدنظر خواهی و حق رسیدگی در مهلت معقول.

کلید واژگان: دادرسی عادلانه، اخلاق در دادرسی، اصل بی طرفی، عدالت، اصول دادرسی

سرآغاز

ارتباط بین اخلاق^۲ و حقوق^۳ از دو منظر حقوق ماهوی و شکلی قابل بررسی است و صحبت از عدالت در دادرسی از منظر کارکرد آن که به دنبال اجرای عدالت از طریق اعمال حکم بر موضوع است و از دیدگاه طبیعت مقررات آن که باید از پیش مقرر و معلوم (امری و تضمین کننده) باشد، ممتنع می نماید. ظهور این امتناع در دشواری تشخیص رابطه ی حقوق و اخلاق بی تاثیر نیست و بر این همین اساس می توان گفت که آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول، قواعد، احکام و موضوعاتی است که در بستر قوانین دادرسی روند و رویه فصل خصومت و حل اختلافات مدنی^۴ میان متداعیین را توسط دادرسی یا دادرسان حقوقی به شیوه ای عادلانه و منصفانه و نظام مند سامان دهی می نماید. اجرای عدالت مدنی در تمامی نظام های حقوقی مستلزم وجود قوانین شکلی است که اصول و تشریفات و نحوه ی عملکرد دادرسی حقوقی و اداره دعاوی مدنی را در رسیدگی به دلایل و ادعاها و ادله و استدلالات طرفین دعاوی مدنی به شیوه ای سازمان یافته در راستای نیل به هدف نهایی یعنی فصل خصومت وضع می نماید(۱).

درک هر جامعه از مفهوم عدالت^۱ بسته به شرایط فرهنگی جامعه، از دیگر جوامع متفاوت است، اما آنچه از نگاه فلسفه حقوق اهمیت دارد این است که عینیت یافتن عدالت نیازمند قانون و قاعده است. نظر به اجتناب ناپذیر بودن اختلاف باورها، ارزشها و آرمانهای میان جوامع مختلف بشری و بین اعضا و گروه های یک جامعه، تنها راه حصول اطمینان از اجرای عدالت آن است که این اصل در قالب موازین و قواعدی روشن تشخیص و تعیین پیدا کند و به نحو منصفانه تفسیر و اجرا گردد، ولی اطمینان از اینکه وضع قانون و تفسیر و اجرای آن چنان نتیجه ای را به بار می آورد که خود در گرو دسته ای دیگر از قواعد و آیین ها است که به نوبه خود تأمین کننده اعتبار و مشروعیت تقنین و قضاوت درباره اجرای قانون است، یعنی قواعدی که بر سیستم حقوقی حاکم است و گاه در نظر برخی از حقوقدانان از آن به قواعد ثانوی تعبیر شده است.

استنباط‌های مختلف و صدور آراء متفاوت را می‌دهد. در این موارد که قاضی با اجمال، ابهام یا نقص قوانین مواجهه است، «هارت» حتی مراجعه به قواعد فراتر از حقوق را پیشنهاد می‌نماید که به لحاظ حقوقی الزام‌آور نیستند^(۲). وی این مراجعه را «بصیرت قضایی» می‌نامد و معتقد است قاضی در این موارد می‌تواند به الزامات مبتنی بر انصاف یا اصول اخلاقی مراجعه کند^(۲).

برخلاف «هارت»، «دورکین» اصول اخلاقی^۷ مورد استناد قاضی در دعاوی دشوار یعنی دعاوی که در آن‌ها به دلیل اجمال، ابهام و نقص قوانین پاسخ صریحی وجود نداشته یا چند پاسخ ممکن وجود دارد را نه خارج از حقوق بلکه جزئی از آن می‌داند. در واقع وی ضمن نفی وحدت استدلال حقوقی و استدلال اخلاقی^۸ و نیز رد ادعای «هارت» دائر بر این که اصول اخلاقی جزئی از حقوق نیستند، قضات را به ارائه‌ی بهترین تفسیر اخلاقی از حقوق مکلف می‌داند^(۴). بدین ترتیب «هارت» و «دورکین» در این منظر که قاضی در موارد سکوت یا اجمال قانون می‌تواند به معیارهای اخلاقی متوسل شود اشتراک دارند؛ اما، «هارت» این معیارها را برون قانونی و خارج از حوزه‌ی حقوق می‌داند؛ در حالی که «دورکین» اصول و معیارهای اخلاقی را جزئی از حقوق تلقی می‌کند. باید توجه داشت که خارجی بودن قواعد اخلاق نسبت به حقوق از نظر پوزیتیویست‌ها به معنای کم اهمیت بودن این قواعد نیست تا آن‌جا که «ژرژپیر» در عین حال که دانشگاه‌ها و دادگاه‌ها را پرستش‌گاه قانون می‌داند، معتقد است که حقوقدان «باید در راه نفوذ آرمان‌های اخلاقی در حقوق تلاش کند»^(۵). از منظر هر دو دیدگاه باید‌ها و نباید‌های اخلاقی در تصمیم‌گیری قاضی در دعاوی مستند هستند؛ لذا مسأله‌ی حقوقی از این منظر به یک مسأله‌ی اخلاقی تبدیل می‌شود که از میان چند تصمیم ممکن کدام یک به لحاظ اخلاقی مناسب‌تر است؟

اخلاق و دادرسی

«هرودوت» و «دموستن» مجازات افراد بدون رعایت تشریفات قانونی را مظهر ستمگری می‌دانند و «سنگا»، معتقد است که «هرکس رایبی صادر کند در حالی که به ادعاهای یکی از طرفین گوش فرا نداده باشد، حتی اگر رای او در واقع عادلانه باشد، عادلانه رفتار نکرده است»^(۶). دقت در مبانی و اصول حاکم بر دادرسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از مقررات دادرسی بر مبنای اصولی استوارند که یا عیناً یک هنجار اخلاقی‌اند^۹ و یا درون مایه‌ی اخلاقی دارند. از نظر اخلاق، قضاوت و صدور رای در یک دعوا بدون شنیدن دفاعیات طرف مقابل قبیح است؛ این قبح اخلاقی خود در قالب اصل رعایت حقوق دفاعی بر دادرسی حکومت می‌کند. هم چنین اصل آزادی دفاع که بر اساس آن هر یک از متداعیین می‌توانند شخصا یا با استفاده از نماینده، از خود دفاع کنند^(۷). در مقام رسیدگی به یک دعوا قاضی گاه با ابهامی در قانون مواجهه می‌شود یا در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش دلیل ارائه شده قانون را خالی از حکم می‌بیند، بنابراین لازم است دست به تفسیر بزنند؛ در مقام تفسیر نیز چنان‌چه اصل کلی حقوقی ناظر بر موضوع وجود داشته باشد به آن مراجعه می‌کند. اصولی که یا عین اصول اخلاقی‌اند یا برگرفته از آن‌ها. در غیر این

اصل بنیادین حق دادرسی منصفانه^۵ و عادلانه حق همه افراد متهم به جرم کیفری است که بیگناه فرض شوند تا زمانی که گناهکاری آنها مطابق با قانون بعد از یک دادرسی عادلانه ثابت شود. امنیت قضایی متضمن به کارگیری اصولی است که نظام قضایی، در مقابل حل و فصل دعاوی و صدور حکم، حقوق افراد را به نحو شایسته تضمین و عدالت را به اجرا درآورد.

هیچ دادگاهی برگزار نمی‌شود مگر برای آنکه حقی را ستانده و به صاحبان حق برگرداند و در این مسیر عادلانه بودن آن دادگاه باید به عنوان یک الزام در نظر گرفته شود و این مهم محقق نمی‌شود مگر به واسطه رعایت اصول دادرسی عادلانه تمامی دادرسی‌هایی که صورت می‌گیرد برای تشخیص حق از باطل و اجرای عدالت است. بنابراین هدف باید در جزء جزء فرآیند دادرسی رعایت شود. بر این اساس، برخی اصول در دادرسی‌ها تعیین شده است که رعایت آنها عدالت را تأمین می‌کند. اجرای عدالت، هدف نهایی هر دادرسی است و دادرسی عادلانه یکی از مهمترین شاخصه‌های سنجش توسعه اجتماعی و قضایی هر جامعه به شمار می‌آید. ارزیابی عادلانه بودن دادرسی تنها از طریق تعریف استانداردهایی به عنوان حداقل‌های لازم برای عادلانه شمرده شدن روند آن دادرسی امکان پذیر است.

بحث

کاربرد اخلاق در حقوق

این تفکر که قانون هر آنچه را که حل یک مسئله‌ی حقوقی بدان نیازمند است در خود دارد، کانون اندیشه‌ی «مکتب شکل‌گرای» حقوقی را تشکیل می‌دهد؛ تفکری که بر اساس آن قاضی برای صدور رای در یک دعوا صرفاً بر اساس قانون می‌تواند مسأله را حل کند و نیازی به فراتر رفتن از آن ندارد^(۲). واقعیت اما چیزی دیگری است و قانون به لحاظ این که قابلیت پیش‌بینی همه‌ی مسائل را ندارد و نیز از این جهت که با «زبان» بیان می‌شود و زبان «مبهم» است، دچار عدم تعیین و ابهام است. در این وضعیت قاضی با چند تصمیم ممکن مواجهه می‌شود که همگی یا حاصل برداشت از یک مقررهِ قانونی هستند یا بدون وجود حکم قانون ذهن قاضی آن‌ها را قابل حمل بر موضوع تشخیص داده است. افزون بر این، مفاهیم حقوقی نیز همیشه روشن نیستند؛ گاه قاضی در این که کدام استنباط از یک مفهوم حقوقی باید برگزیده شود، در می‌ماند^(۳). قاضی نمی‌تواند در این موارد مبهم و غیرمتعین از صدور رای امتناع کند و ناگزیر باید برای حل مشکل، قاعده‌ای برون قانونی دست و پا کند. این قاعده از کجا می‌آید؟

نظرات «هارت» و «دورکین» به عنوان بزرگان دو مکتب پوزیتیویسم حقوقی^۶ و مکتب حقوق طبیعی مدرن در این خصوص جالب توجه و پراهمیت است. از نظر «هارت» جامعه‌ی بشری دستخوش اختلافات، خواسته‌ها و موقعیت‌های جدیدی است که قواعد مصنوعی حقوق موضوعه نمی‌تواند همه‌ی آن‌ها را پیش‌بینی کند. بر این اساس، از دیدگاه وی قوانین الزام‌داری «بافت باز» هستند. بافتی که اجازه‌ی

صورت قاضی باید اخلاقی ترین تفسیر را برگزیند. عدالت رعایت همه‌ی ارزش‌های اخلاقی^{۱۰} و برآیند رعایت تمام این ارزش‌هاست (۸). متصف نمودن دادرسی به این وصف متعالی خود از سازنده بودن قواعد اخلاقی در حوزه‌ی دادرسی حکایت دارد. قاضی نمی‌تواند و نباید از یاد ببرد که در چارچوب آیینی به دعوا رسیدگی می‌کند که بنیان بسیاری از قواعد تشکیل دهنده‌ی آن آیین را اخلاق تشکیل می‌دهد و اگر در مواجهه با یک مسأله در رسیدگی از چارچوب قواعد بیرون رفت، بایسته است اخلاقی‌ترین راهکار ممکن را برگزیده و از تصمیمی که اخلاق آن را ممنوع می‌کند، بپرهیزد. درک واقعی حقوق جز از طریق درک آرمان اخلاقی آن که تمامی تلاشش را به سمت نیل بدان معطوف می‌دارد، امکان ندارد (۹). توجه به اخلاق در فرایند دادرسی منجر به شکل‌گیری دادرسی عادلانه می‌گردد. دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعریف دقیق از آن، واکاو هر جزء آن مفید به نظر می‌رسد. دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوای کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیتدار» به کار رفته است (۱۰). مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم وصف ترکیبی دادرسی عادلانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» یا به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط است، لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است. (۱۰) به طور کلی دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعوای نزد دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است (۱۱).

تاریخچه دادرسی عادلانه

قانون حمورابی از جمله رگه‌های تاریخی دوران باستان در خصوص حمایت از افراد در برابر اذیت و آزار و مجازات خودسرانه تلقی می‌گردد. در دوران یونان و رم باستان نیز اعدام افراد بدون محکومیت و مجازات بدون محاکمه خلاف عدالت به شمار می‌رفت (۱۲). دادرسی و محاکمه مبتنی بر عدالت از اهداف ادیان مختلف نیز بوده است و ادیان مختلف از جمله یهود و مسیحیت بر قضاوت، دادرسی و محاکمه عادلانه و منصفانه تأکید کرده‌اند (۱۲). در این راستا متعالی‌ترین و موکدترین تعبیرها در تعالیم و آموزه‌های دین مبین اسلام یافت می‌شود. اسلام همواره فریاد برپایی قسط و عدل، احقاق حقوق مظلوم، استقرار صلح و آرامش و داوری و قضاوت عادلانه را سر داده است. مهمترین اصول دادرسی عادلانه از جمله استقلال و بی‌طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان)،

اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل براءت، اصل تفسیر به نفع صاحب حق و ... از شریعت قابل استنباط است (۱۲). در غرب در نظام‌های قضایی برخی کشورها از جمله آلمان تا قرن چهاردهم میلادی اعمال شیوه ارودالی رایج بوده است. اوردالی مجازات نبود بلکه آیین دادرسی بود که به اثبات جرم یا براءت منجر می‌شد. همچنین در فرانسه قبل از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ شکنجه متهمان برای اخذ اقرار، عادی و قانونی بود و در آن دوران نظام تفتیش با خصوصیات غیرعلنی بودن، غیر ترافیعی بودن که امکان و فرصت دفاع برای متهم میسر نبود، حاکم بود (۱۱). در اواخر قرون وسطا و بعد از ظهور رنسانس، تأکید بر فرد قوت گرفت و شناسایی حقوق وی از جمله دادرسی عادلانه، وجهه بین‌المللی به خود گرفت. منشور کبیر ۱۲۱۵ انگلستان، اعلامیه حقوق ۱۶۸۸ انگلیس، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ از جمله اسناد ابتدایی در جامعه بین‌المللی در جهت شناسایی حق دادرسی عادلانه با تعبیر آزادی و امنیت قضایی و ممنوعیت بازداشت خودسرانه به شمار می‌روند (۱۱). به همین ترتیب در قرن بیستم که جامعه بین‌المللی شاهد تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر بود؛ لزوم رعایت و شناسایی حق دادرسی عادلانه رنگ دیگری به خود گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۳، ۹، ۱۰ و ۱۱) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۱۵ و ۱۴) که هر دو به ابتکار سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ تصویب شدند بر وجود اصول دادرسی عادلانه از جمله منع بازداشت خودسرانه، تفهیم اتهام، رسیدگی در مراجع بی‌طرف و مستقل تأکید کردند و دولت‌ها به رعایت این اصول متعهد گردیدند. همزمان حق دادرسی عادلانه در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر^{۱۱} نیز بازتاب چشمگیری داشته است؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۶ و ۵) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مواد ۸ و ۷) و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (مواد ۲۶، ۷۶) از این اصول حمایت کرده‌اند. برخی اسناد دیگر از جمله اصول بنیادین استقلال قضایی^{۱۲} مصوب ۱۹۸۵، اصول بنیادین رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۹۰، اصول بنیادین مربوط به کاربرد زور و اسلحه توسط مامورین اجرای احکام مصوب ۱۹۹۰ نیز اصول دادرسی عادلانه را مورد تأکید قرار داده‌اند (۱۱).

اصول دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه عمومیت دارند و در انواع دعوای مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند که در ادامه به این اصول می‌پردازیم.

حق دادخواهی: وجود حق دادخواهی^{۱۳} اقتضاء می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع گردید به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم خواهی نماید. مبنای وجود چنین حقی اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌کند (۱۳). به این ترتیب هیچگونه تبعیضی براساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب در دسترسی به دادگاه و

وجود مرجعی مستقل و بی طرف است. در این میان از نگاه اسلام در کنار علم قاضی، معرفت باطنی نیز برای دادرسی لازم است که این امر سبب صدور حکم واقعی و برقراری عدالت خواهد شد. به این ترتیب لازم است قاضی به استقلال درون نیز نایل گردد و این امر منوط به قداست روانی و طهارت روحی است. قاضی در صورتی که نتواند به استقلال درونی دست یابد نمی‌تواند در کار خود توفیقی تحصیل نماید (۱۸). در اسلام صرف وجود دادگاه مستقل دلیل بر وجود استقلال قاضی نخواهد بود، بلکه چنین استقلال ظاهری و بیرونی منوط به استقلال درونی است و کسی می‌تواند در برابر تطمیع و تهدید دیگران، استقلال رای خود را حفظ نماید که به استقلال درون رسیده باشد و دارای نوعی ثبات شخصیت باشد (۱۸). همچنین روایت متعددی نیز در باب لزوم رعایت بی‌طرفی در امر قضاوت وجود دارد. از آن موارد روایتی است که صدوق به سند خویش از امام رضا (ع) از پدران خویش، از علی (ع) روایت نمود که گفت: پیامبر خدا (ص) مرا به یمن اعزام نمود، فرمود: «آنگاه که محاکمه به نزد تو آوردند به نفع هیچ یک از دو طرف حکم مکن مگر اینکه از دیگری مسئله را جویا شوی». آنگاه امیرالمومنین (ع) فرمود: «پی از آن هیچگاه من در قضاوت تردید نکردم» (۱۵).

برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها): تساوی سلاح‌ها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقل‌های حقوقی برخوردار باشند از جمله اینکه به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی یعنی دادستان است، اهمیت دارد و سبب می‌شود عامل قدرت مانعی بر سر راه تحقق عدالت نگردد (۱۱). اصل تساوی سلاح‌ها یا برابری امکانات دفاع ناشی از حق دفاع است و برای اولین بار توسط کمیسیون اروپایی در نظریه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۵۹ و در رای مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۸ دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی لومبستر به کار برده شده است (۱۳). به این ترتیب لازم است طرفین دعوی کیفری و حقوقی فرصت برابر برای ارائه دعوی خود و همچنین جرح و تعدیل شهود در تمام مراحل را داشته باشند (۱۹). در اسلام قاضی باید امکان دفاع برابر را در اختیار طرفین اختلاف قرار دهد. سکونی از امام صادق (ع) روایت نموده که فرمود: امیرالمومنین (ع) می‌فرمود: «کسی که در مسند خطیر قضاوت نشست باید بین طرفین دعوی در اشاره و نگاه و جایگاه نشستن، تساوی را مراعات کند» (۱۵).

اصل تقابل^{۱۴} یا تناظر: دو طرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی عادلانه است. (بند ۴ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) این امر در دادرسی کیفری مستلزم اطلاع متهم از نوع و علل اتهام به طور قانونی و در اختیار داشتن فرصت کافی جهت تمهید دفاع است. (۱۳) همچنین از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که دو طرف نزاع باید

مرجع رسیدگی قابل قبول نیست. (ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر) همچنین به موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق دادخواهی به عنوان حق مسلم به رسمیت شناخته شده است و در مقابل دولت متعهد است کلیه امکانات و تسهیلات لازم و در اجرای حق مذکور را فراهم کند و امکان دادخواهی و تظلم خواهی برای همه وجود داشته باشد (۱۴). لازمه اجرایی شدن این حق وجود دادگاه-های صالح به منظور ایجاد امکان دسترسی و همچنین عدم وجود مانعی در مراجعه به دادگاه برای همگان است.

همچنین در اسلام دادستاندن از وظایف و اختیارات قاضی محسوب می‌گردد. قاضی باید حقوق کسی را که حق وی مورد تجاوز قرار گرفته، پس از آنکه حق وی به وسیله ادله اثبات دعوی به اثبات برسد، باز پس گیرد (۱۵). همچنین در عهدنامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر آمده است: «به امر قضاوت بین مردم نظر کن، مانند کسی که به منزلت حکم و قضاوت نزد خدا عارف است». حکم و قضاوت، معیار و میزان عدالت خداوند است که در زمین به منظور احقاق حق منصفانه مظلوم از ظالم و گرفتن حق ضعیف از قوی و برپایی حدود خدا بر اساس سنت و روش الهی وضع شده است. (نهج البلاغه، نامه پنجاه و دوم) همان طور که مشخص است در نامه حضرت علی علیه السلام تاکید ایشان به احقاق حق مظلوم بیانگر شناسایی حق دادخواهی در اسلام به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که از نگاه اسلام استماع دعوی دارای شرایطی است. معلوم بودن دعوا، طرح توام با جرم و بدون تردید دعوا، بالغ و عاقل بودن مدعی، محجور نبودن مدعی و ذینفع بودن مدعی از جمله شرایط لازم برای دادخواهی محسوب می‌گردد (۱۶).

استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی: استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بی‌طرفی نیز به معنای عدم پیش داوری یا جانبداری از یک طرف دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است و به عبارت دیگر قضاوت و هیات منصفه نفع یا بهره شخصی در پرونده خاص نداشته باشند و فارغ از پیش فرض به موضوع رسیدگی کنند (۱۱). دسترسی به دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴) به رسمیت شناخته شده است. یکی از نشانه‌های بی‌طرفی و استقلال دادگاه این است که به موجب قانون تشکیل گردد. (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر).

قوه قضاییه به عنوان ضامن برقراری عدل و مرجع تظلم خواهی عنصر مهمی در حمایت و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم یک جامعه تلقی می‌گردد. نحوه نصب دادرسان، غیرقابل عزل و انتقال بودن آنها و اعتبار آراء قضایی صادره از سوی آن حکایت از استقلال قوه قضاییه دارد (۱۳). همچنین به موجب نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، در بررسی استقلال قضات باید به نحوه انتصاب آنها و وجود تضمیناتی در مقابل فشارهای خارجی توجه کرد (۱۷). قرآن کریم نیز بر اجرای عدل و احسان و داوری توام با عدالت تاکید دارد که تحقق این امر منوط به

در کنار هم رو به روی قاضی بنشیند. این موضوع بیانگر اهمیت وجود امکان دفاع برابر برای طرفین اختلاف از دیدگاه اسلام است. (۱۵)

حق رسیدگی حضوری و علنی: حق رسیدگی حضوری به موجب استماع دعوا و تقدیم دفاعیه محقق می‌گردد و اینکه رسیدگی حاکم به طور علنی صورت پذیرد. علنی بودن رسیدگی‌ها به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم در فرآیند دادرسی است و این اصل ناظر بر کل فرآیند دادرسی اعم از مراحل رسیدگی و صدور احکام می‌باشد. البته این حق مطلق نیست، بلکه قابل تحدید است و به دلیل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضائات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد از جمله عوامل تحدیدکننده حق علنی بودن رسیدگی‌ها است (۱۹). تشخیص ضرورت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به عهده دادگاه است (۲۰). در اسلام نیز ضرورت رسیدگی علنی مشهود است و سیره قضاوت امامان معصوم به طور خاص حضرت علی (ع) موید چنین امری است. قضاوت‌های ایشان در مسجد انجام می‌گرفت همچنین ایشان زمانی که شنیدند قاضی شریح در خانه قضاوت می‌نماید به وی دستور دادند که «ای شریح (برای قضاوت) در مسجد بنشین، این امر میان مردم عادلانه‌تر است. برای قاضی سبک است که در خانه‌اش قضاوت کند» (۲۱). این روایت حاکی از آن است که امامان معصوم نیز بر ضرورت رسیدگی حضوری و علنی محامکات تاکید داشته‌اند و به برگزاری قضاوت‌های علنی سفارش می‌نمودند. (۲۱)

حق تجدیدنظر خواهی: چنین حقی امکان حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی را فراهم خواهد کرد. به موجب بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در هر نوع دادرسی اعم از حقوقی، کیفری و اداری محکوم علیه حق دارد که محکومیت وی در دادگاه عالی مطابق قانون بازنگری شود. حق تجدیدنظر خواهی و امکان نقض حکم در اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. از حضرت علی (ع) روایت شده است که «هر گاه قاضی به خطا بودن حکم خود پی ببرد، قضاوت خود را مردود می‌کند یا قضاوتش مردود می‌شود» (۲۱). به این ترتیب اگر محکوم علیه نزد قاضی علیه قاضی دیگر اقامه دعوا نماید و ادعا کند که حکم قاضی اول ناعادلانه بوده بر قاضی موخر واجب است که در حکم قاضی مورد شکایت تجدیدنظر نماید (۱۶).

حق رسیدگی در مهلت معقول: این حق مستلزم رعایت سرعت لازم و بدون تاخیر ناموجه در رسیدگی است. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد و معمولاً عناصر مورد توجه در نقض این حق و تشخیص عادلانه یا غیرعادلانه بودن مهلت رسیدگی به پرونده شامل مقررات قانونگذاری ملی، پیچیدگی‌های نظام‌های حقوقی^{۱۵}، پیچیدگی‌های هر پرونده و فنی بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی تخصصی مناسب، رفتار متهم و رفتار مقامات ذی صالح می‌باشد (۲۲). این حق در اسناد حقوق بشری از جمله جزء ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان محاکمه بدون

تأخیر غیرموجه و همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی با مضمون رسیدگی در مهلت معقول و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی با ذکر عنوان مدت معقول به رسمیت شناخته شده است. سرعت عمل در قضاوت و جلوگیری از فوت وقت از جمله مهمترین ویژگی‌های عدالت قضایی امام علی (ع) به شمار می‌رود. این موضوع در قضاوت‌های ایشان نمایان است. ایشان فرموده‌اند: «در اجرای حدود هیچ مهلتی روا نیست» و همواره به قضاوت فرمان می‌داد که در دادخواهی تأخیر ننمایند. همچنین ایشان سهل انگاری و فوت وقت در دادرسی را موجب تضییع حقوق طرفین دعوی می‌دانستند. امیرالمومنین علی (ع) فرمودند از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: «امروز و فردا کردن مسلمانان توانگر نسبت به پرداخت حقوق مردم، ظلم به مسلمانان است.» (۲۱)

دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران

حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی و با رای مردم رسمیت یافت. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهمترین گام برای استقرار حاکمیت قانون پس از انقلاب اسلامی بوده است. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله مهمترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. همچنین تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف جمهوری اسلامی ایران است. (اصل ۳ قانون اساسی) قوانین عادی نیز بر اساس موازین اسلامی اصول دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند. هر چند در قوانین و مقررات داخلی ایران واژه دادرسی عادلانه تصریح نشده است لیکن اصول مختلف آن و تضمینات عمومی و کیفری دادرسی با نگاه اسلامی در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی مورد تصریح قرار گرفته است. ضمانت اجرای تضمین اصول مربوط به دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی در قوانین عادی مشخص شده است.

الف) دادرسی عادلانه در قانون اساسی

مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد». لذا دولت موظف است دادگاه‌های صالح که در دسترس مردم باشند، تشکیل دهد. وظیفه اجرای اعمال دادخواهی به قوه قضاییه سپرده شده است تا داد مظلوم را از ظالم بستاند. به موجب اصل ۱۵۶، قوه قضاییه به عنوان قوه‌ای مستقل، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی شده است و عهده‌دار وظایفی نظیر رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات،

اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نمایند. (ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

به موجب ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برهه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود». ضمانت اجرای عدم رعایت این حق بی‌اعتباری تحقیقات است. (تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آ.د.ک)

در کلیه امور کیفری طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکیل مدافع خود را معرفی نمایند (ماده ۳۴۶ قانون آ.د.ک). متهم می‌تواند از دادگاه درخواست تعیین وکیل نماید و دادگاه در صورت تشخیص عدم توانایی متهم برای تعیین وکیل برای وی وکیل تعیین خواهد کرد. (ماده ۳۴۷ قانون آ.د.ک) در جرایمی که مجازات آنها به موجب قانون سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن است و جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید وکیل تسخیری الزاماً برای او تعیین خواهد شد. (ماده ۳۴۸ قانون آ.د.ک) قانونی بودن بازداشت و منع بازداشت خودسرانه (ماده ۲۳۹ قانون آ.د.ک) و تجدیدنظر در احکام (ماده ۴۲۷ قانون آ.د.ک) نیز موارد دیگری هستند در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در حوزه دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده است.

همچنین در قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم تعزیرات فصل دهم، ضمانت اجرای تقصیرات مقامات و مامورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی و هتک حرمت اشخاص و سلب حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تصریح شده است. ممنوعیت سلب آزادی افراد ملت و سلب حقوق مقرر در قانون اساسی (ماده ۵۷۰) استماع شکایت و تظلم خواهی نزد مراجع ذی‌صلاح (ماده ۵۷۲)، ممنوعیت شکنجه و اذیت و آزار بدنی متهمین (ماده ۵۷۸)، صدور حکم به موجب قانون و ضمانت اجرای امتناع قاضی از صدور حکم یا تاخیر وی از صدور حکم بر خلاف قانون (ماده ۵۹۷) قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری (مواد ۱۳ و ۱۲)، عطف به ما سبق نشدن قوانین (ماده ۱۰) نیز موارد دیگر قابل ذکر در قانون مجازات اسلامی در حوزه دادرسی عادلانه است. آیین‌نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه نیز شکنجه و رفتارهای غیرانسانی را ممنوع نموده و برای مرتکبین مجازات تعیین کرده است.

مطابق بند ۱۰ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی باشد و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته‌اند و در اجرای

شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته شده است.

رسمی تظلمات و شکایت دادگستری است و تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است. (اصل ۱۵۹) همچنین قانونی بودن دادگاه‌ها (اصل ۱۵۹) و هیات منصفه (اصل ۱۶۸) به موجب قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است و اصل ۱۶۴ قانون اساسی استقلال شغلی قضات را تعیین کرده است.

دیگر تضمینات دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی عبارت است از علنی بودن محاکمات (اصل ۱۶۵) قانونی بودن حکم قضات (اصل ۱۶۷ و ۱۶۶)، قانونی بودن جرم و مجازات (قبح عقاب بلابیان) (اصل ۱۶۹)، تساوی حقوق همه مردم ایران و عدم هرگونه تبعیض ناروا (اصل ۱۹ و بند ۹ اصل ۳) برابری همه مردم ایران در برابر قانون (اصل ۲۰)، قانونی بودن جلب و بازداشت خودسرانه و حق متهم در تفهیم اتهام و محاکمه در اسرع وقت (اصل ۳۲)، حق بر داشتن وکیل (اصل ۳۵)، اصل برائت (اصل ۳۷) منع شکنجه برای اخذ اقرار و حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی انسان (اصول ۳۹ و ۳۸).

همچنین به موجب قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶) و احکام دادگاه‌ها باید مستدل، مستند به قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. (اصل ۱۶۶) جبران خسارات نیز در صورت تقصیر یا اشتباه قاضی مورد تاکید قرار گرفته است. (اصل ۱۷۱)

ب) دادرسی عادلانه در سایر قوانین موضوعه

در قوانین عادی شرایط و نحوه تضمین اصول دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای کوتاهی مقامات قضایی در اجرای وظایف خود مشخص شده است. (ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری) همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در بردارنده اصول متعدد دادرسی عادلانه است. همچنین بی‌طرفی و استقلال کامل مراجع قضایی (ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری) اصل برائت و رعایت حریم خصوصی (ماده ۴ قانون آ.د.ک) تفهیم اتهام و اطلاع از حق دسترسی به وکیل (ماده ۵ قانون آ.د.ک) از جمله این اصول می‌باشد. به منظور آگاهی مردم نسبت به دادرسی عادلانه و نظارت آنها بر چگونگی دادرسی صحیح در نظام قضایی ایران، محاکمات علنی است. اصل علنی بودن محاکمات از طریق ورود استثنائاتی تخصیص خورده است و به تشخیص دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان در اعمال منافی عفت و جرائمی که بر خلاف اخلاق حسنه است، امور خانوادگی یا دعوی قابل گذشت به درخواست طرفین و زمانی که علنی بودن محاکمه محل امنیت یا احساسات مذهبی باشد، محاکمه غیرعلنی خواهد بود. (ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری) منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران و رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و

قوانین و مقررات آیین دادرسی مدنی لازم‌الرعایه می‌باشند و در مقام رسیدگی باید تعلیمات و ترتیبات آن اعم از اصول، مقررات آمره و مقررات تشریفاتی را مورد توجه قرار داد و به کار گرفت. در وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران به رغم پذیرش اصول دادرسی عادلانه در قانون اساسی و قوانین عادی، تعریف صریحی از این مفهوم ارائه نشده است و تعریف آن با شناسایی اصول دادرسی عادلانه روشن گردیده است. البته عدم ارائه تعریف برای حق بر دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد و ذکر مصادیق و اصول دادرسی عادلانه است که به این مفهوم عینیت بخشیده است. پذیرش و تاکید بر اجرای دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران حکایت از حاکمیت قانون و استقلال قضات و تفکیک قوا دارد. لذا تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز از تحولات مثبت در خصوص پیش‌بینی و تاکید بر اصول دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید توانسته گامی بلند در پیشبرد و ارتقای دادرسی عادلانه در نظام داخلی ایران محسوب گردد و خلأها و نواقص قبلی قوانین در این خصوص را مرتفع کند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت‌داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Justice	عدالت
2. Ethics	اخلاق
3. Law	حقوق
4. Civil disputes	اختلافات مدنی
5. Fair trial	دادرسی منصفانه
6. Legal positivism	پوزیتیویسم حقوقی
7. Ethics fundamental	اصول اخلاقی
8. Moral reasoning	استدلال اخلاقی
9. Moral norm	هنجار اخلاقی
10. Moral values	ارزش‌های اخلاقی
11. Human rights	حقوق بشر
12. Judicial reasonong	استدلال قضایی
13. Right to sue	حق دادخواهی
14. Principle of opposition	اصل تقابل
15. Legal systems	نظام‌های حقوقی

References

1. Jahani Mijani V, Seraji M, Farrokhi M. Ethics in the legal system: a fair trial in registered quasi-judicial bodies. *Ethics in Science and Technology*, 2022; 17: 16-23. (In Persian).

وظایف خود به روش‌های خلاف قانون متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت می‌گیرد. همچنین منع اتهام سازی واهی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های فراقانونی و خودسرانه (بند ۱) منع خشونت، اذیت و آزار و شکنجه (بندهای ۱۰ و ۶) در این قانون مورد تاکید قرار گرفته است. در بند ۳ قانون مذکور نیز بر ضرورت حضور وکیل در کلیه مراحل رسیدگی و رعایت حق بهره‌مندی از وکیل توسط محاکم و دادسراها تاکید شده است. محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

نتیجه گیری

ب ارتباط حقوق و اخلاق از قدیمی‌ترین مباحث فلاسفه‌ی حقوق است، تا آن جا که مدخل بیشتر نوشته‌های آن را تشکیل می‌دهد؛ امری که طبیعی می‌نماید؛ زیرا برای فهم حقوق باید آن را از نظام‌های مشابه بازشناخت و اخلاق شبیه‌ترین نظام رفتاری به حقوق است. از منظر بنیادین هر دو نظام، هنجاری هستند؛ هنجارهایی که البته بر ارزش مبتنی می‌باشند. بر این اساس اگر بتوان هنجار را دستور آمرانه‌ی رعایت ارزش تعریف کرد؛ و ارزش‌های نهفته در پس هنجارهای اخلاق و حقوق را دریافت، به وضوح می‌توان به ابتدای بسیاری از قواعد حقوقی بر این ارزش‌ها پی برد.

تضمین حق بر دادرسی عادلانه در نظام‌های حقوقی داخلی و همچنین از طریق مکانیزم‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. زمانی می‌توان ادعا نمود، حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که قوانین مختلف داخلی اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال دادگاه‌ها و قضات و بیطرفی آنها، علنی بودن جلسات رسیدگی، دسترسی برابر همگان به مراجع قضایی ذیصلاح، اصل برائت، حق دفاع، تفهیم اتهام، حق اخذ وکیل و حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و ... را مورد شناسایی قرار داده و اجرای آنها را تضمین کنند. رعایت اصول دادرسی عادلانه همچنین مستلزم این است که بازجویی و فرآیند دادرسی پرونده‌های موجود با رعایت حقوق مظنون و قربانی صورت گیرد. کنترل و نظارت بر اقدامات دادسرا زمینه را برای اجرای واقعی و مؤثر اصول دادرسی عادلانه فراهم خواهد کرد و سبب تقویت باور برابری همگان در مقابل قانون خواهد شد، زیرا در نتیجه چنین نظارتی است که می‌توان انتظار داشت تخلفات انضباطی دادستانها یا قضات یا دیگر اشخاص ذیربط بر اساس مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد. استانداردهای دادرسی، آن دسته از اصولی از آیین دادرسی هستند که مفاهیم اصلی عدالت را در حل و فصل اختلافات تبیین می‌نمایند. باید توجه داشت که

2. Keyvanfar S. Basics of the philosophy of law interpretation. 1st ed. Tehran: Sahami Enteshar Company. 2011. (In Persian).

3. Ansari B. The role of the judge in the evolution of the legal system. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2009. (In Persian).
4. Rasekh M. Right and expediency. 2nd ed. Iran/Tehran: Tarhe No Publication. 2008. (In Persian).
5. Malvery P. Legal thoughts. Translated by Kalantarian M. Tehran: 1st ed. Agah Publication. 2004. (In Persian).
6. Kelly J. A brief history of legal theory in the west. Translated by Rasekh M. 1st ed. Tehran: Tarhe No Publication. 2009. (In Persian).
7. Mohseni H, Reazeinejad A. Law & morality; morality & adjudication (some reflection on the credibility of without notice recorded voice as proof). The Judiciary Law Journal, 2011; 75(73): 5-82. doi: [10.22106/rlj.2011.11091](https://doi.org/10.22106/rlj.2011.11091)
8. Ebdali M. Law philosophy and legal theories. 1st ed. Iran/Tehran: Majd Publication. 2009. (In Persian).
9. Andalib M, Aghaei Jannat Makan H. Legal and ethical principles of lawyer interference in the criminal procedure process. Ethics in Science and Technology, 2021; 16 (3) :1-8. (In Persian). DOR: [20.1001.1.22517634.1400.16.3.1.8](https://doi.org/20.1001.1.22517634.1400.16.3.1.8)
10. Fazaali M. Fair proceedings in international criminal trials. 2nd ed. Tehran: Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research. 2010. (In Persian).
11. Rostami V, Aghaei M, Lotfi H. Fair proceedings in special administrative authorities of Iran. 1st ed. Tehran: Gerayesh Publication. 2010. (In Persian).
12. Karbas Foroush G, Varvaei A, Tavasolizadeh T. Victims' law seen from the perspective of fair trial and ethics in the criminal procedure code of 2013 and the international criminal court statute. Ethics in Science and Technology, 2020; 15 (3) :20-25. (In Persian). DOR: [20.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4](https://doi.org/20.1001.1.22517634.1399.15.3.4.4)
13. Abbasi B. Human rights and fundamental freedoms. 1st ed. Iran/Tehran: Dadgostar Publication. 2011. (In Persian).
14. Hashemi M. Human rights and fundamental freedoms. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. 2005. (In Persian).
15. Montazeri H. Jurisprudential foundations of Islamic government. 2nd ed. Iran/Tehran: Saraei Publication. 2000. (In Persian).
16. Mohammadi Gilani M. Justice and judgment in Islam. 1st ed. Iran/Tehran: Al-Mahdi Publication. 1983. (In Persian).
17. Sakochi A. Independence and impartiality of judges in knowledge. Translated by Yazdi M. 1st ed. Tehran: Mizan Publication. 2003. (In Persian).
18. Javadi Amoli A. Court etiquette in Islam. 1st ed. Qom/Tehran: Asra Publication. 2011. (In Persian).
19. Synmonides J. Human rights: concept and standards. UNESCO Publishing. 2000.
20. Reid K. A practitioner guide to the European convention on human rights. 2nd ed. Sweet and Maxwell. 2004.
21. Mousavi Boujnordi M, Rohani S. The indicators of judicial justice from the perspective of Amirul Momineen Ali (AS) with an approach to the jurisprudence opinions of Imam Khomeini (RA). Matin Encyclopedia, 2012; 54(2): 1-8. (In Persian).
22. Leach P. Taking case to the european court of human convention on human rights. 2nd ed. Oxford University Press. 2005.